

**روزنامه طلوع**  
**روزنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، ورزشی**  
**صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: محمد مهدی جعفری زاده**  
**شماره استاندارد بین المللی روزنامه طلوع (شابا): ۵۸۷۳ - ۸۰۰۲ - ۵۸۷۳ - ۸۰۰۲**  
**ISSN: 5873 - 8002**  
**حسابداری سپهر ۱۰۰۰۱۴۵۵۸۳۷۰۰۱ - بانک صادرات شیار - شعبه سراه بهار به نام روزنامه طلوع**  
**شیار - خیابان انقلاب (نادر) - نبش پارک انقلاب - مجتمع رز - طبقه اول**  
**تلفن: ۰۷۱-۲۳۴۴۷۷۲ - فاکس: ۰۷۱-۲۳۴۴۷۷۱**  
**کارخانه قدمگاه - پایین تراز سه راه دانشسرای تلفکس: ۰۷۱-۲۲۲۹۴۶**  
**تایپ و صفحه آرایی: روزنامه طلوع**  
**چاپ: نجف زاده**  
**شماره کان: ۰۰۰۰۲۰**  
**نحوه الفصامه، ترجمه علی اکبر میرزاي، هاپ هفتم، ۵۹۷**



**پیامبر گرامی اسلام (ص):**  
کسی که یک سال از برادر خود دور باشد (با هم قهر کنند)  
به طوری که از یکدیگر خبر نداشته باشند) مثل آن است  
که خونش را ریخته است (زیرا ارزش برادری آن زمان  
است که از مشکلات هم باخبر بوده تا سختی ها آنها را از  
پای در نیاورد چون برادر توقع دارد که در موقع فشار،  
برادرش به فریاد او برسد)  
نهجه الفصامه، ترجمه علی اکبر میرزاي، هاپ هفتم، ۵۹۷

## دانش آموزان ممتاز دبستان دخترانه حضرت زینب (س) - بهبهان

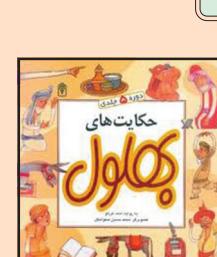
با تشکر از مدیر دبستان خانم مریم تولا و آموزگاران حمیده مرتضوی، مليحه وصلتی، افسانه اقتصادی، فاطمه گلستان، سکینه رادمان، فروزان سرسازی، کبری چلنگر، مرضیه مرادی اول، لیلا عبدالله نژاد و سایر پرسنل زحمتکش دبستان زینب (س)



مدارسه خیرآباد معروف به قلعه مدرسه واقع در ۲۷ کیلومتری جاده بهبهان - شیار - در روستای قلعه مدرسه در سال ۱۰۸۱ قمری توسط حسین علی خان زنگنه والی وقت بهبهان و کمگلوبه احداث شده و بنای مذبور مربوط به دوره شاه سلیمان صفوی می باشد که در چند سال اخیر توسط اداره میراث فرهنگی شهرستان بهبهان مرمت و بازسازی شده است.

از تکاہ دورین

**چاپ عکس**  
**دانش آموزان ممتاز**  
**در روزنامه طلوع**  
**رنگی - تک رنگ**  
**با قیمت مناسب**  
**نمایندگی روزنامه**  
**طلوع در بهبهان**  
**(پرویز خلیجی)**  
**شماره تماس**  
**۰۹۱۶۶۷۱۰۹۱۴**  
**۰۶۷۱-۳۳۴۷۷۳۸**



### با بهلو

#### ابوحنیفه و بهلو

آورده‌اند که روزی ابوحنیفه در مدرسه متفاوت تدریس بود. بهلو هم در گوشش ای نشسته و به درس او گوش می داد.  
ابوحنیفه درین درس گفتن اظهار نمود که امام جعفر صادق (ع) سه مطلب اظهار مینماید که مورد صدقین من نمی باشد و آن سه مطلب بدین نحو است. اول آنکه می گوید شیطان در آتش جهنم معدن خواهد شد و حال آنکه شیطان خود از آتش خلق شده و چگونه ممکن است آتش اورا معدن نماید و جنس از جنس متادی نمی شود.

دوم آنکه می گوید خدا را توان دید حال آنکه چیزی که موجود است باید دیده شود. پس خدا را با چشم می توان دید.

سوم آنکه می گوید مکلف فعل خود است که خودش اعمال را به جامی آورده حال آنکه تصور و شواهد برخلاف این است.

بعن عملی که از بندۀ سر میزند از جانب خداست و بطری به بندۀ ندارد چون ابوحنیفه این مطالب را گفت بهلو کلوخی از زمین برداشت و به طرف ابوحنیفه پرتاب نمود که اقضی آن کلوخ به پیشانی ابوحنیفه خورد و او را ساخت ناراحت نمود و سپس بهلو فرار کرد شاگردان ابوحنیفه عقب او دویده و او را گرفتند و چون با خلیفه قربات داشت او را نزد خلیفه بردن و جریان را به او گفتند.

بهلو جواب داد ابوحنیفه را حاضر نماید تا جواب او را بدهم. چون ابوحنیفه حاضر شد بهلو

به او گفت: از من چه سنتی به تو رسیده؟

ایوب حنیفه گفت: کلوخی به پیشانی من زده ای و پیشانی و سر من درد گرفت. بهلو گفت در درا

می توانی به من نشان دهی؟ ابوحنیفه گفت: مگر می شود در درا نشان داد؟

بهلو جواب داد تو خودمی گفتی که چیزی که وجود دارد را می توان دید و بر امام صادق (ع)

اعتراض می نمودی و می گفتی چه معنی دارد خدای تعالی وجود داشته باشد و او را توان دید و

دیگر آنکه تو در دعوی خود کاذب و دروغگویی که می گویند کلوخ سر تو را بدد آورده زیرا

کلوخ از جنس خاک است و تو هم از جاک آفریده شده ای پس چگونه از جنس خود متادی می شوی

و مطلب سوم خود گفتی که افعال بندگان از جانب خداست پس چگونه می توانی امری مقصر کنی

و مر پیش خلیفه آورده ای و از من شکایت داری و ادعای قصاص می نمایی.

ابوحنیفه چون سخن معقول بهلو را شنید سرمنده و خجل شده و از مجلس خلیفه بیرون رفت.